



در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۶۸ معرفی شدند. مجلس پس از سه روز بحث و بررسی در مورد صلاحیت کابینه هاشمی رفسنجانی به تمام وزرای پیشنهادی رأی اعتماد داد. هاشمی از موضع اقتدار با مجلسی که خود زمانی رئیس آن بود برخورد می کرد و انتظار هماهنگی بیشتری از مجلس در رأی اعتماد به وزرای خود داشت. برای همین وقتی از سوابق وزرای او پرسیده می شد، می گفت من به تنهایی سیاسی هشتم. برخورد جناح چپ با هاشمی هم شروع شده بود و راست ها هم در شرایط جدید موقعیت دیگری برای خود تعریف کرده بودند. این شدت در آستانه انتخابات به اوج خود رسید و محمد هاشمی، رئیس صداوسیما، وقت خطاب به مردم گفت که به میدان بیایید و به این فتنه گرایی که چوب لای چرخ دولت می گذارند رأی ندهید و در نماز جمعه گفته می شد دولت به نمایندگانی نیاز دارد که در روند بازسازی همراه دولت باشند در مقابل آن. این آغاز انزوای چپ بود؛ آنها به شکل گسترده برای مجلس چهارم رد صلاحیت شدند. نظارت استصوابی از مجلس سوم شروع شد.

#### ■ حذف جناح چپ در دستور کار؛ مجلس چهارم تشکیل شد

چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی، هفتم خرداد ۱۳۷۱؛ ساعت ۸:۱۵. بار دیگر پارلمان به طور رسمی کار خود را شروع می کند با اولین پیام رهبری مبنی بر تأکید بر تداوم راه و رهنمودهای امام راحل (بند ۵ پیام) و حمایت از دولت و برنامه سازندگی آن با حفظ استقلال مجلس (بند ۴ پیام) در زمان افتتاح مجلس شورای اسلامی. این نخستین انتخابات بعد از وفات امام خمینی است؛ انتخاباتی که در ۲۱ فروردین ۷۱ برگزار شد در دوران سازندگی که نیروهای چپ و خط امامی در این مجلس حضور نداشتند. مجلس چهارم هژمونی جریان راست است که از سه سال پیش، جای پای خود را در قدرت مستحکم کرده بودند. در اولین مجلس بعد از جنگ و بعد از رحلت امام خمینی، جامعه روحانیت مبارز با شعار «اطاعت از رهبری؛ حمایت از هاشمی» به صحنه رقابت آمدند. آنها دولت، مجلس و رهبری را با هم و برای خود می خواستند؛ همان جریانی که در مجلس دوم برخی چهره های آن در زمان ماجرای ۹۹ امضای منفی به نخست وزیر و مک فارلین، حتی به ضدیت با ولایت فقیه و اسلام آمریکایی متهم شده بودند. اما این بار تاریخ جور دیگری ورق خورده بود.

#### ■ نزاع استصوابی

بار دیگر مهم ترین مناقشه انتخابات، نظارت استصوابی و رد صلاحیت های گسترده بود؛ موضوعی که تا به امروز حل نشده است. در آستانه انتخابات مجلس چهارم، ماده سوم قانون انتخابات (مصوب سال ۱۳۶۲) که نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس را «عام و در تمام مراحل و کلیه امور مربوط به انتخابات» می دانست، از سوی شورای نگهبان به نظارت «استصوابی» و لازم الاجرا تفسیر شد. اگر چه قبلاً حتی خوانش «عام» هم محل مناقشه و اختلاف نظر بود. برای همین در انتخابات مجلس سوم، وزارت کشور معتقد بود که شورای نگهبان تنها باید نسبت به بررسی صلاحیت آن دسته از افرادی که در هیأت های اجرایی رد صلاحیت

شده اقدام کند؛ اما شورای نگهبان هرگز چنین اعتقادی نداشت و در عمل حتی صلاحیت کسانی هم که در هیأت نظارت تأیید شده بودند ممکن است توسط شورای نگهبان رد شود. در نهایت تفسیر شورای نگهبان منجر به رد صلاحیت ۸۰ نفر از نامزدهای جناح چپ شد که نیمی از آنها نماینده مجلس سوم بودند. این ماجرا باعث اعتراض مجمع روحانیون مبارز شد و آنها در نامه ای به هاشمی رفسنجانی در اعتراض به رد صلاحیت های نیروهای خود گفته بودند ممکن است «تصمیم نهایی» را بگیرند. اما کدورت های میان هاشمی و جناح چپ فضا را به سمتی می برد که هاشمی تمایلی به حمایت جدی از آنها نداشت یا نخواست وارد مساله بشود. اما هاشمی در خاطرات خود شرح مفصلي از پایداری برای تأیید دوباره صلاحیت های می گوید. نیروهای چپ اگر چه تا پای تحریم انتخابات پیش رفتند ولی در نهایت همان شد که شورای نگهبان می خواست. در نتیجه این رد صلاحیت های گسترده و برخورد حذفی با نیروهای چپ خط امامی، جامعه روحانیت مبارز، جمعیت مؤتلفه اسلامی، جامعه وعاظ، جامعه اسلامی مهندسين، جامعه زینب و جامعه اصناف و بازار لیست ارائه داده و در تهران کاملاً به مجلس راه یافتند. رأی اولی تهران در این دوره سید علی اکبر موسوی حسینی، مجری برنامه اخلاق در خانواده بود که با ۹۳۷ هزار رأی نفاول تهران شد. اما مهدی کروبی، سید محمد موسی خونی نی ها، محمدرضا توسلی، علی اکبر محتشمی پور، عبدالواحد موسوی لاری، سعید حجریان، مرتضی الویری، ابوالقاسم سرحدی زاده، محمد سلامتی، نجفقلی حبیبی، علیرضا محبوب، گوهر الشریعه دستغیب، فاطمه

کروبی، مرضیه حدیدچی دباغ و برخی دیگر از چپ های تأیید صلاحیت شده، رأی لازم را برای ورود به مجلس کسب نکردند. بالاخره نظارت استصوابی و رد صلاحیت گسترده نیروهای همسو با مجمع روحانیون مبارز، مجلسی از نیروهای همسو با جناح راست حاکمیت شکل داد که در آن زمان، هنوز از اکبر هاشمی رفسنجانی حمایت می کردند. در مجلسی که جامعه روحانیت مبارز و گروه های همسو سامان داده بودند، علی اکبر ناطق نوری، رئیس شد و حسن روحانی، سید اکبر پرورش، محمدعلی موحی کرمانی و حسین هاشمیان نواب رئیس بودند. مجلس چهارم اولین مجلس پس از خاتمه جنگ و (اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ و آتش بس با عراق) و تثبیت نظام سیاسی انقلابی جمهوری اسلامی ایران است. به همین دلیل محور موضوع اصلی آن فرای مجلس سوم که جنگ و بازسازی بوده، توسعه بویژه توسعه زیربنایی در تداوم بازسازی و سازندگی ملی کشور بود. مجلس چهارم پایان اولین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی و جمع بندی نخستین تجربه برنامه و تجربه نخستین برنامه توسعه کشور از سویی و از دیگر سوی تصویب برنامه دوم پنج ساله یا

در آستانه مجلس سوم و  
هنگامی که جامعه روحانیت  
مبارز اقدام به تهیه لیستی از  
کاندیداهای پیشنهادی برای  
مجلس نمود اختلافات قبلی  
بین آنان تشدید شد. ریشه این  
اختلافات در نگرش های این  
گروه ها بود که درباره مسائل  
همچون میزان نقش دولت در  
اقتصاد، بحث فقه پویا و فقه  
سنتی، نحوه نگرش به ولایت  
فقیه و اختیارات وی و... بود  
به طوری که جریان مخالف  
دولت موسوی که اکثریت را در  
جامعه روحانیت مبارز تشکیل  
می داد مایل به کاندیدا کردن  
نیروهای غیر همفکر خود نبودند

دومین تجربه برنامه ریزی و اجرای برنامه پنج ساله کشور است.

#### ■ کابینه دوم هاشمی، از چپ به راست

۲۱ خرداد ۱۳۷۲ انتخابات ششمین دوره ریاست جمهوری برگزار شد و اکبر هاشمی بهرمانی (رفسنجانی) برای دومین بار به ریاست جمهوری برگزیده شد. در دومین رقابت انتخاباتی احمد توکلی که خود را رقیبی جدی برای هاشمی می دانست با توجه به اتخاذ سیاست تعدیل از سوی هاشمی، پاشنه آشیل وی را مسائل اقتصادی یافت. وی در نطق های انتخاباتی اش بر بی عدالتی اقتصادی و اجتماعی، ناکارآمدی سیاست ها و مدیریت ها، امتیاز طلبی و تحمل گرایی